

# تبیین قاچاق کالا از منظر جامعه‌شناختی

از: نوذر امین صارمی<sup>(۱)</sup> با همکاری رضا جورکش

## چکیده:

قانون امور گمرک در تعریف قاچاق آورده است «ورود، ساخت، مبادله، توزیع هرگونه کالا یا خدماتی که خارج از چارچوب مقررات و ضوابط دولت صورت پذیرد». این مقوله اگرچه با این تعریف پدیده‌ای اقتصادی تلقی می‌شود، اما گستردگی و تعامل متقابل آن با مسائل و مؤلفه‌های اجتماعی، آن را به پدیده‌ای اجتماعی مبدل ساخته که پارادایم‌های جامعه‌شناختی باید آن را تبیین و مطالعه نمود. بر اساس آمارهای غیررسمی میزان قاچاق کالا در کشور حدود ۴ میلیارد دلار در سال برآورد شده که با توجه به تولید ناخالص داخلی (G.D.P.) و میزان واردات قانونی به کشور رقم قابل توجهی به شمار می‌رود که نشان از اهمیت و گستردگی موضوع دارد و می‌تواند در روند اقتصاد و تولید بحران‌هایی را ایجاد نماید. این مقاله با رویکردی جامعه‌شناختی پدیده قاچاق را در سه مرحله زمانی، قبل از انقلاب تا پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و سیاست‌های توسعه و تعدیل اقتصادی و نیز در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار داده است. در هر مقطع زمانی با توجه به شرایط و وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمار پدیده قاچاق در تشبیه و فراز بوده، که مقایسه این مقاطع زمانی و توجه به این شرایط می‌تواند چشم‌انداز شفاف‌تری از وضعیت این پدیده را در کشورمان نشان دهد. این مقاله به بهانه انتشار گزارشی از ناحیه انتظامی مرزگان در زمینه قاچاق کالا در این استان نگارش یافته و در آن سعی شده با رویکردی جامعه‌شناختی قاچاق کالا بررسی شده و در خاتمه این مقوله را مطرح نموده که این پدیده تنها از منظر کشفیات و تعداد پرونده‌های تشکیل شده نمی‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد بلکه هرگونه بررسی در این زمینه باید معطوف به ابعاد جامعه‌شناختی و اقتصادی باشد.

◀ آمارها نشان می‌دهد بخش اعظمی از فعالیتهای اقتصادی در کشور به صورت زیرزمینی و قاچاق صورت می‌پذیرد. اساساً در اقتصادهایی که با تنگناها و محدودیتهای منابع ارزی روبه‌رو هستند و از حیث رشد و توسعه اقتصادی به حد صنعتی شدن نرسیده‌اند، همواره بخشی از تقاضای داخلی برای کالاها به ویژه کالای تجملی و غیرضروری از روشها و راههای غیرقانونی تأمین می‌گردد. بر مبنای گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۷۸ حدود ۸۰۰ میلیارد ریال کالا از مرزهای کشور قاچاق شده است که نمایانگر گسترگی این مقوله در ابعاد اقتصادی می‌باشد. آمارهای گمرک نشان می‌دهد تنها در پنج ماهه اول سال ۱۳۷۹، ۱۸۳۸۰ پرونده خصوص قاچاق کالا تشکیل شده است که از نظر ارزش معادل ۲۵۹ میلیارد و ۵۲۵ میلیون ریال می‌باشد.<sup>(۱)</sup> این میزان قاچاق عنوان شده از سوی گمرک تنها مربوط به کشفیات می‌باشد و اگر مقدار کالا و اجناس قاچاق مخفی از دید مأموران را در نظر بگیریم، عمق این مسأله بیشتر خود را نشان می‌دهد. کارشناسان معتقدند: میزان کشفیات قاچاق، حدود یک دهم میزان واقعی قاچاق می‌باشد. آمارهایی که از قاچاق کالا در کشور داده می‌شود، میزان ارزش آن را بین ۲ تا ۴ میلیارد تخمین زده‌اند که این میزان در سال ۱۳۶۵ حدود ۱/۴ میلیارد دلار بوده است.<sup>(۲)</sup>

قاچاق کالا از معضلاتی است که در ابعاد اقتصادی - اجتماعی، آثار و تبعات نامطلوبی در بر دارد و اقتصاد کشور را بیمار و ناکار می‌نماید. بخش تولید و اشتغال کشور ما به دلیل اثرهای قاچاق بشدت دچار صدمه گردیده است. در حالی که هزاران تن کالا در انبار کارخانجات و شرکتها انباشته شده، کالاهای قاچاق ارزان هیچگونه تمایلی را برای مصرف‌کنندگان باقی نگذاشته تا به خرید آنها گرایش داشته باشند؛ به عنوان مثال صدها هزار متر پارچه محصول کارخانجات تولیدی کشور به دلیل ورود منسوجات قاچاق روی دست تولید کنندگان باقی مانده است. کالاهایی که با قاچاق وارد می‌شود، به دلیل اینکه کیفیت بسیار پایینی دارند و عوارض و مالیاتهای قانونی هم به آنها تعلق نمی‌گیرند به قیمت‌های نازل‌تری نسبت به کالاهای مشابه داخلی به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. لذا تقاضا برای آنها بیشتر از تولیدات داخلی یا واردات قانونی است. قاچاق کالا در کشور ما در سه دهه اخیر وضعیتی داشته که بررسی آن با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و اقتصادی می‌تواند مسئولان و برنامه‌ریزان را در تبیین پدیده قاچاق و مبارزه با آن کمک نماید.

ناحیه انتظامی هرمزگان با استفاده از آمار و ارقام منتشره از سوی گمرک این استان، گزارشی را در قالب نمودار نشان داده (نمودار شماره یک) که براساس میزان کشفیات کالا توسط یگانهای عمل‌کننده و تحویل آن به گمرک از سال ۱۳۵۴ این مقوله را مطالعه نموده است. استان هرمزگان از طرفی به دلیل موقعیت مرزی، ارتباط با مناطق آزاد کشورهای عربی و فاصله دریایی کم عرض با این کشورها و از سوی دیگر گستردگی جغرافیایی در طول سواحل جنوبی، معبر مناسبی برای ورود قاچاق کالا به کشور شده است. آمارها نشان می‌دهد ۷۰ درصد ورود و خروج کالاهای قاچاق کشور از مرز آبی استان هرمزگان صورت می‌پذیرد به طوری که در سال ۱۳۷۴ حدود ۵۰ هزار قاچاقچی کالا در این استان دستگیر و به دادستانی انقلاب اسلامی هرمزگان فرستاده شدند.

روزانه فقط از منطقه آزاد قشم بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن کالای قاچاق وارد کشور می‌شود.<sup>(۳)</sup> این مقاله براساس آمارهای گزارش ناحیه هرمزگان و با بررسی جامعه شناختی قاچاق کالا سعی دارد این معضل را در سطح کشور در قالب سه مقطع زمانی تبیین نموده و در نهایت به نقد گزارش موصوف موضوع بپردازد. مقوله قاچاق کالا در کشور ما با توجه به فراوانی و آثار نامطلوب فراوان آن در ساختارهای اقتصادی، نیاز به بررسیها و مطالعات دقیقتر و جامع‌الاطراف دارد. نگاه به قاچاق کالا تنها با توجه به لایه‌های پنهان واقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی که در ورای آمارها نهفته است، می‌تواند به شناخت حقیقی و تبیین موضوع کمک نماید.

### تعریف قاچاق

«قاچاق» واژه‌ای ترکی و به معنی فرار کردن، فراری و گریزان می‌باشد. در فرهنگ‌های فارسی در تعریف آن آمده است: ۱- کاری برخلاف قانون که بطور پنهانی انجام می‌شود، متاعی که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است (فرهنگ معین) ۲- آنچه ورود آن به کشور یا معامله آن از طرف دولت ممنوع اعلام شده است (فرهنگ دهخدا) ۳- تردستی، کاری که پنهان و با تردستی انجام می‌شود، خرید و فروش کالایی که در انحصار دولت یا معامله آن ممنوع باشد، وارد کردن یا صادر کردن کالایی که ورود و صدور آنها ممنوع است (فرهنگ عمید). نقاط مشترک این تعریفها در فرهنگ‌های ایرانی این است که قاچاق، عمدتاً معامله یا ورود پنهانی کالاها به کشور می‌باشد.

از نظر قانونی نیز قاچاق عمدتاً این مفهوم را در بردارد. در مجموعه قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی آمده است: «قاچاق عبارت است از وارد یا صادر کردن کالا برخلاف قوانین و مقررات جاری و یا اقدامی که بر طبق قانون در حکم قاچاق محسوب شده است.»<sup>(۴)</sup> ماده ۲۹ قانون امور گمرک نیز تصریح نموده: ورود، ساخت، مبادله و توزیع هرگونه کالا یا خدمات که خارج از چارچوب مقررات و ضوابط دولت صورت پذیرد، قاچاق محسوب می‌شود.

## پیشینه قاچاق

انسان از ابتدای زندگی اجتماعی، برای رفع نیازها به تلاش و تکاپو می‌پرداخته است. و به مرور زمان و با مطرح شدن مازاد تولیدات، به داد و ستد مشغول بوده و محصولات اضافی خود را در مناطق دیگر با سایر کالاها و اجناس موردنیاز مبادله می‌نموده است. با توسعه داد و ستد و رشد تولید، اقتصاد معیشتی به تجارت مبدل شد. این امر از سوی کشورها نیز گسترش یافته و بتدریج اقتصاد و تجارت بین‌المللی مطرح شد.

از زمانی که داد و ستد کالاها در بین کشورها و ملت‌ها صورت می‌پذیرفت، دولتها و جوهی را به عنوان مالیات ورود اخذ می‌نمودند. مورخان نوشته‌اند: هخامنشیان منابع مالی دولت را از اخذ عوارض در اسکله، بنادر و میدانهای فروش بارونیز تجارت داخلی تأمین می‌کردند. در زمان اشکانیان کالاهایی که وارد می‌شد، در دفتری ثبت و از دارندگان آن عوارض دریافت می‌نمودند. در زمان ساسانیان از یزدین نامی، که از ماموران وصول عوارض مال التجاره بوده نام می‌برند. در صدر اسلام مبنای دریافت عوارض مال التجاره، بهای کالا بوده و از هر چهل درهم، یک درهم مالیات دریافت می‌شد. در زمان ناصرالدین شاه امتیاز بهره‌برداری از گمرکات کشور طی امتیاز روبتر به خارجیان واگذار شد که در اغلب موارد نیز درآمدهای گمرک صرف هزینه‌های دربار یا سفرهای خارجی شاه می‌گردید.

از زمانی که بحث محدودیت در ورود و خروج کالاها از مرزها و کنترل دولتها بر این مقوله مطرح شد، بحث ورود و خروج غیرقانونی کالا به عنوان پدیده قاچاق کالا مد نظر قرار گرفت. اگر چه در طول تاریخ، حمل و نقل یا استفاده از برخی کالاها ممنوع بوده اما قاچاق کالا به شکل فعلی آن، پس از کنترل فیزیکی در خطوط مرزی و تدوین قوانین قاچاق مطرح شد.

اولین قوانین وضع شده برای مبارزه با قاچاق، "قانون مجازات مرتکبین قاچاق" نام گرفت که در سال ۱۳۱۲ تصویب شد. تا سال ۱۳۳۶ مأموریت مبارزه با قاچاق کالا در سراسر کشور به عهده ماموران گارد مسلح گمرک بود. ولی هزمان با محول نمودن مأموریت مرزبانی به ژاندارمری کل کشور مبارزه با قاچاق نیز به آنها واگذار گردید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این امر توسط شهرداری، ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی انجام می شد تا اینکه در شهریور سال ۱۳۶۶ با مصوبه شورای امنیت کشور، این مأموریت به کمیته محول گردید و سرانجام در سال ۱۳۶۹ با تصویب لایحه ادغام، وظیفه مبارزه با قاچاق کالا بر عهده نیروی انتظامی قرار گرفت.

### وضعیت قاچاق کالا در کشور

#### ۱- دوران نبات

مقطع اول زمانی در رابطه با تحولات قاچاق کالا در کشور روند ثابتی را داشته است. همانگونه که نمودار شماره یک نشان می دهد، از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۶۷، در یک دوره سیزده ساله، قاچاق کالا و کشفیات آن سیر طبیعی و یکنواختی راطی می کند. این دوره زمانی، از قبل از انقلاب آغاز و تا یک دهه بعد از انقلاب ادامه دارد که دوره مزبور که به لحاظ ماهیت و از نظر اجتماعی و اقتصادی، به دو زمان کاملاً متفاوت اشاره دارد.

وضعیت اقتصادی و شرایط اجتماعی کشور در دوره قبل از انقلاب با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای و با تضاد و ناهمگونی زیاد تغییر جهت یافته است. در قبل از انقلاب در کشور ایران همانند سایر کشورهای جهان سوم در آن زمان، نابرابری اجتماعی در حد بالایی وجود داشت. به عنوان مثال شاخص ضریب جینی (Gini- Index)، که نشانگر توزیع عادلانه یا غیرعادلانه درآمد است، در دهه ۵۰، برابر ۰/۴۵ مطرح کرده‌اند. ارقام مرکز آمار ایران نشان می دهد که در سال ۱۳۵۶ ضریب جینی ۰/۵۳ بوده است<sup>(۵)</sup> که با توجه به شرایط اختناق و انتظارات شاه مبنی بر ارائه یک تصویر بیش از حد زیبا از کشورش، این رقم قابل

اطمینان به نظر نمی‌رسد. (۶) به همین دلیل می‌توان گفت آمار کشفیات قاجاق کالا نیز در این زمانها بسیار کمتر از میزان واقعی بود. در دوران قبل از انقلاب کشفیات کالا نرخ ثابتی را نشان می‌دهد و مبارزه با قاجاق نیز برابر یک روش ثابت و یک تعریف خاص و معینی صورت می‌گرفته است. اقبال عمومی جهت مشارکت در امر قاجاق نیز یکنواخت و ثابت بوده عموم افراد دخیل، بومی و عمدتاً براساس نیاز و رفع مشکل اقتصادی خانواده و با تکیه بر روشهای سنتی قاجاق کالا انجام می‌شد که از طرف دیگر خود بیانگر این مسأله است که اتفاق خاصی در اقتصاد کشور و منطقه - که فرصتهای لازم را برای تشدید این پدیده به وجود آورد - به وقوع نپیوسته است. در واقع یک رفتار مسالمت‌آمیز میان دولت و مردم و دست اندرکاران در این موضوع حکمفرما بوده است. (۷)

از سوی دیگر، بدلیل موج واردات کالاهای مصرفی، که به دلیل افزایش درآمدهای ناشی از فروش نفت افزایش فراوانی یافت؛ و فور این اقلام و کالاها در کشور نیاز به قاجاق آنها را پایین آورده بود. انبوه واردات به دلیل سیاستهای درهای باز، حجم اعظمی از کالاهای مصرفی و تجملی را وارد کشور نموده که خرید آنها از کشور برای مصرف‌کننده ارزان‌تر و به صرفه‌تر از خرید آنها از بازار قاجاق بود. در ایران بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، وضعیت درآمد مردم بهبود زیادی یافته و تولید ناخالص ملی در پی فروش نفت با قیمت مناسب، بطور ملی سابقه‌ای افزایش یافته بود.

در بخش خصوصی نیز علاوه بر احداث کارخانجات تولیدی خصوصی، یک فرایند دیگر در افزایش درآمدها و نیز پیدایش قشر متوسط و بالا مؤثر بود. در پی مسافرتها زیاد قشر بالای جامعه به اروپا و امریکا و مشاهده سطح زندگانی آنها، احساس عقب‌بودن از غربی‌ها (احساس محرومیت نسبی) در آنها پرورش یافت. در نتیجه، آنها به منظور ارضای حس خودکم‌بینی، به داشتن ظواهر آن زندگانی، آن هم در بالاترین حد (وقتی پیشی گرفتن از آن)، ترغیب

می‌شدند و در پی تهیه وسایل تجملاتی و اشرافی برآمدند و به دلیل وجود چنین رویکردی خود دولت سیل واردات این قبیل اجناس را به کشور وارد کرد. به دلیل درآمدهای فراوان نفتی، سود و عوارض گمرکی اندکی از این نوع کالاها گرفته می‌شد و اقلام مزبور با کمترین هزینه به دست مصرف‌کننده می‌رسید؛ در نتیجه گرایش به قاچاق کاهش چشمگیری یافت. در این دهه به دلیل بحران نفت و افزایش قیمت نفت (از بشکه‌ای ۱۱ دلار به ۳۳ تا ۳۶ دلار) درآمد نفتی ایران بطور جهشی افزایش یافت. در نتیجه این امر نه فقط موجب بالارفتن درآمد سرانه و قدرت خرید شد، بلکه به سبب رشد سریع کالاهای مصرفی غربی واردات ایران از ۲۰۶/۹ به ۱۱۶۹۵/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۵۴ رسید.<sup>(۸)</sup>

رشد درآمدها، افزایش تولید ناخالص ملی و فرصت‌های شغلی زیاد در شهرها موج گسترده مهاجرت روستاییان را به شهرهای بزرگ باعث شد. اشتغال‌زایی در این سالها موجب گردید بخش اعظمی از جوانانی که در روستاها و شهرهای کوچک مرزی به امر قاچاق مبادرت می‌کردند، به اشتیاق کار به سوی شهرها گسیل شوند. جامعه‌شناسان معتقدند حالت کشش و جذب شهرها بیش از هر چیز در امکاناتی است که شهر برای بهبود وضع مالی و اقتصادی روستائیان در اختیارشان قرار می‌دهد. دستمزد در شهر بالاتر از روستاست و با وجود بیکاری و کم‌کاری مشهود در روستاها و شهرهای کوچک، تعداد زیادی از آنان می‌توانند هنگام تحولات و تغییرات توسعه‌ای برای خود کاری در شهرهای بزرگ به دست آورند.<sup>(۹)</sup>

نرخ قاچاق کالا در بعد از انقلاب و در طول دفاع مقدس نیز همچنان ثابت پابرجا ماند. عوامل این مقوله با شرایط قبل از انقلاب تفاوت اساسی دارد؛ از بعد از انقلاب و در طول جنگ تحمیلی، کشور در شرایط بحرانی قرار داشت و نیاز به کالاهای مصرفی، تشریفاتی و تجملاتی در حد بسیار اندک بود. در نتیجه کاهش شدید تقاضا، کاهش عرضه را در بر داشت. مهاجرت ۲/۵ میلیون نفر از



جنگ‌زدگان، موج بمباران هواپیماها و موشک‌های عراقی و حاکمیت شرایط جنگی در کشور گرایش جامعه را به این گونه وسایل به حداقل رسانده بود. از سوی دیگر، به دلیل انقلاب و جنگ تحمیلی، هنجارهای اجتماعی، بیشتر معطوف به ارزشهای اسلامی و اخلاقی گردیده و تغییرات اساسی در نظام ارزشی مردم به وجود آمده بود که عناصر مهم آن از بین رفتن بی‌عدالتی و نابرابری، گرایش به سادگی و تمایل بیشتر به مذهب، ایثار و انسجام بود. در چنین شرایطی داشتن وسایل تجملی یک ضدارزش تلقی می‌شد. در این سالها و برخلاف گذشته نادارایی و عدم گرایش به اشرافیگری، یک ارزش به حساب می‌آمد. اکثر مردم جامعه از مال، جاه و ثروت تبری می‌جستند؛ بطوری که مبلها و صندلیها به پستی‌ها تبدیل شده و ثروتمندان خودروهایی گران قیمت خود را در منزل می‌گذاشتند و جرأت نداشتند ثروت و دارایی خود را همانند گذشته به نمایش بگذارند. در این زمان دارندگی برزندگی نبود بلکه فقر یک ارزش بود. لذا با تغییر ارزشها و روی گرداندن اکثریت مردم از مصرف‌گرایی، تقاضا برای کالاهای تجملی کم شد و عدم تقاضا برای این کالاها به عدم افزایش نرخ قاجاق کالا انجامید، در این سالها قاجاق کالا در حداقل میزان خود بود. شرایط جنگی مناطق مرزی نیز در این امر تأثیر داشت؛ زیرا به دلیل شرایط بحرانی و جنگ، قاجاق از مناطق غربی و بخشی از مرز جنوبی عملاً امکان‌پذیر نبود.

## ۲- دوران شتاب

دوره دوم از سال ۱۳۶۷ آغاز می‌شود و در سال ۱۳۷۴ به اوج خود می‌رسد در این دوران شاهد تشدید و اوج‌گیری قاجاق کالا و نیز کشف آن هستیم. این رشد آنچنان است که یک وضعیت غیرمعارف و ناهمگونی را نسبت به دوره ما قبل خود به وجود آورده است.

آغاز این دوره با پایان هشت سال جنگ تحمیلی، آغاز دوران سازندگی و ارائه برنامه اول توسعه اقتصادی از سوی دولت، به عنوان اولین اقدام برنامه‌ای

پس از انقلاب اسلامی همزمان است. در این زمان افشار جامعه، آرامش و امنیت پایان جنگ را احساس نموده و القای بهبود اوضاع اقتصادی باعث ارتقای سطح انتظارات مردم گردید. در این شرایط، روحیه معنوی حاکم بر جامعه - که ناشی از شرایط دوران انقلاب و جنگ بود، کاهش یافت و روحیه قناعت پذیری، تجمل زایی، صرفه جویی و اتکا به خود، روز به روز کم رنگ تر شده و تقاضا برای برخی از کالاهای تجملی افزایش یافت. بتدریج و با تغییر ارزشها، رفتارها و کنش جامعه از هنجارهای قبل از جنگ فاصله گرفت و نابسامانیهای اقتصادی اجتماعی در قالب پدیده‌هایی چون رشوه خواری، اختلاس، احتکار، دزدی، قاچاق دارو، مواد مخدر و کالا بیشتر نمود پیدا کرد.

### تغییر ارزشی و قاچاق

از سوی دیگر، تغییرات ارزشی در زمینه پایبندیهای مذهبی و اعتقادی در جامعه بطور مشخص تر نمایان شد. از یک طرف میزان تمایل مردم به ارزشهای اخلاقی و مذهبی کاهش و از طرف دیگر تمایل آنها به مادیات فزونی یافت. در این شرایط تضاد مشخص میان ارزشهای مادی و مذهبی به وجود می آید. ماکس وبر معتقد است: «هر چه که در یک جامعه (در زمان کوتاهی) ارزشهای مادی بیشتر گسترش یابند میزان پایبندیهای مذهبی - اعتقادی مردم کاهش می یابد.<sup>(۱۰)</sup> دورکیم نیز این مقوله را مورد تایید قرار داده وی معتقد است: در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها از هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها (ولذا از بین رفتن کنترل آرزوها)، آنومی یا یک وضعیت آرزوهای بی حد و حصر به وجود می آید. از آنجا که این آرزوهای بی حد طبعاً نمی توانند ارضا و اشباع شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دایمی پدید می آید. دورکنیم ثروتمندی ناگهانی را یک عامل بحران زا و دلیل آن را در تغییرات شتابزده اجتماعی (اقتصادی) می بیند که موجب از

هم پاشیدگی هنجارهای سنتی یعنی وضعیت سریع آنومی می‌گردد: (۱۱)

از نظر اقتصادی نیز نرخ تورم، که در شرایط بعد از جنگ و به دلیل سیاستهای انبساطی دوران سازندگی رشد تازنده‌ای یافت، از دو جهت بر بالارفتن میزان قاچاق کالا در جامعه تأثیر گذاشت:

۱- افزایش شدید نرخ تورم موجب کاهش قدرت خرید مردم و گسترش فقر شده که این شرایط باعث اشاعه ناهنجاریهای اقتصادی، رشد اقتصاد زیر زمینی و قاچاق گردید.

۲- افزایش تورم و بالا رفتن هزینه تولید، قیمت کالاهای ساخت داخل را افزایش داد. و لذا کالاهای وارداتی بویژه آن بخش که بطور قاچاق وارد کشور می‌شد، از نظر قیمت بسیار ارزانتر از کالاهای مشابه ساخت داخل بود که بدین دلیل گرایش جامعه به سمت کالاهای ارزان خارجی افزایش یافت. در این سالها هزاران متر از تولیدات واحدهای نساجی کشور بدون مشتری مانده بود، در حالی که بیشتر مردم جامعه، پارچه‌های ارزان قیمت ساخت کره، ژاپن، ترکیه و حتی پاکستان را مصرف می‌نمودند.

### سیاستهای تعدیل و قاچاق

در سالهای اولیه دهه هفتاد، سرعت چرخهای توسعه و تعدیل اقتصادی، بیشتر آثار و عوارض خود را در لایه‌های مختلف اجتماعی نشان داد. اساساً فرایند توسعه بر تنشهای موجود می‌افزاید، توزیع نامتناسب منافع آن، ناهمگونی و تضاد را در پی دارد. و بلا تکلیفی و درماندگی آن، اغتشاش را سبب خواهد شد. در نتیجه نیروهای برهم زننده ثبات ممکن است از کنترل خارج شوند. (۱۲)

شرایطی که به واسطه سیاستهای تعدیل اقتصادی پدید آمد، زمینه‌های لازم را برای بروز و ظهور رانتهای اقتصادی فراهم کرد. شاید این رانتهای

اقتصادی ریشه در رانتهای سیاسی دارد که به واسطه کانونهای قدرت و دسترسی آنها به واحدها و بنگاههای اقتصادی در شرایط سازندگی و توسعه بیشتر مطرح شده بود. به دلیل وجود چنین زمینه‌هایی، امتیازات و انحصارات در زمینه‌های واردات کالا برای برخی افراد و گروهها مهیا شده و بدون کنترل نهادهای نظارت کننده به فعالیتهای بازرگانی پرداخته که واردات ناشی از تجارت پنهان، زمینه‌های قاچاق کالا را به کشور گسترش داد. تبلیغات وسیع در جهت توسعه مناطق آزاد و دعوت از مردم برای سفر به این مناطق، عملاً به جای توسعه سرمایه‌گذاریها در مناطق آزاد، به مجرای برای واردات کالاهای تجملی و تشریفاتی مبدل و بخش اعظمی از این کالاها و اجناس به صورت قاچاق به شهرهای مرکزی سرازیر شد. در این شرایط، عرصه فعالیت برای افراد بیکار فراهم شد تا با اجیرکردن عده‌ای از مردم، اقدام به قاچاق کالا نمایند که در نتیجه پدیده موسوم به «چتربازی» توسعه و گسترش یافت. تبلیغات گسترده برای ترغیب مردم برای سفر به این مناطق بویژه به کیش، همچنان رو به تزاید بود. در این دوران گرایش دولت به واردات انواع کالاها افزایش چشمگیر یافت و با توجه به افزایش جمعیت در این زمینه نیاز بیشتری احساس می‌شد. براساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۷۰، ارزش کالاهای وارد شده به کشور ۲۰۲۶ میلیارد ریال بوده است که نسبت به سال ۱۳۶۷ (۵۶۸ میلیارد ریال واردات)، نزدیک به چهار برابر و نسبت به سال ۱۳۶۶ سه برابر بوده است.<sup>(۱۳)</sup> همزمان با این روند واردات کالاهای مصرفی (پیش از هر چیز اتومبیل سواری، گیرنده تلویزیونی، یخچال فریزر، نوار ویدئویی، آلات موسیقی و نوار ضبط صوت افزایش یافته است مثلاً در سال ۱۳۶۵ ارزش اتومبیل‌های وارداتی کمتر از ۱۰۰ میلیارد ریال اما در سال ۱۳۷۲ به ۲۷۰ میلیارد تومان رسید.<sup>(۱۴)</sup>

این گرایش به واردات و در کنار آن رواج تبلیغات گسترده برای اجناس و لوازم مصرفی و تجملی، که از بعد از انقلاب ممنوع و یا کاهش یافته بود، دوباره

از سرگرفته شد. بعد از سال ۱۳۶۸ روند نیازآفرینی از طریق تبلیغات، بشدت گسترش یافته بود. شرکتهای متخصص تبلیغاتی، یکی بعد از دیگری به وجود آمدند و رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، شرکت واحد اتوبوسرانی و... همه در این مسیر فعال شدند و روز به روز بر فعالیت و هزینه‌های آنها افزوده گردید. شیوه‌های جدیدتر تبلیغاتی یعنی تابلوهای الکترونیکی جاذبه آن و در نتیجه قدرت نیاز آفرینی را بیشتر کرد. در این زمان میزان مصرف بویژه برای کالاهای غیرضروری و تجملی تزايد یافت که در نتیجه آن، بازار قاجاق نیز گرمتر و پررونق‌تر شد.

در دهه هفتاد و در فرایند این نیازآفرینی، میزان استفاده از کالاهایی چون ویدئو، تلویزیون‌های رنگی بزرگ، مبل و ظروف بلوره (کریستال) و گرانتیمت بالاتر رفت و به دلیل اینکه کارخانجات داخلی نیز کیفیت مطلوبی در تولید این وسایل نداشتند و میزان واردات، کفاف بازار را نمی‌داد، سهم قاجاق این وسایل افزایش یافت.

در این سالها به دلیل کم توجهی به مقوله‌های فرهنگی در جامعه، سیل گسترده‌ای از انواع لباسهای جدید به بوتیکها و بازارهای کشورگسیل و در مراکز تجاری بسیار پیشرفته عرضه شد. با گسترش مقوله مهاجم فرهنگی و شیوع خرده فرهنگهای غربی در بین آحاد جامعه بویژه جوانان، قاجاق این نوع لباسها و فراورده‌ها و محصولات فرهنگی نیز افزایش یافت؛ که باعث شد تا نمودار فراوانی قاجاق رشد فزاینده‌ای یابد.

### دوران تغییرات

دوران سوم، براساس آمار کشفیات استان هرمزگان، روندی نزولی در امر قاجاق را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۴، تعداد پرونده‌های قاجاق در این استان بیش از ۱۰ هزار فقره بود که در طی ۴ سال، به کمتر از چهار هزار فقره در سال ۷۸

رسیده است. آنچه که از شکل آمارها برمی آید، نشاندهنده سیری نزولی در قاچاق کالا به کشور از سال ۷۴ به بعد می باشد. گزارش ناحیه انتظامی هرمزگان در این رابطه این مقوله را به سامان بخشی امور گمرکی و رشد تولیدات داخلی در نتیجه توسعه اقتصادی مرتبط نموده است. اگر چه در این سالها تا حدودی از رشد زیاد قاچاق به دلیل شرایط توسعه و تعدیل جلوگیری شد، اما از سال ۱۳۷۴ مبارزه با قاچاق رویکرد دیگری یافت که باعث شد تا تنها آمار پرونده های مرتبط با قاچاق کالا کاهش پیدا کند و نه خود مقوله قاچاق.

در سالهای اخیر دایره برخورد با پدیده قاچاق محدودتر شد. در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، در مرزها و مبادی ورودی به کشور، سخت گیری بیشتری نسبت به ورود کالا بود. بطوری که برای فردی با داشتن مقداری اجناس وارداتی و قاچاق، تشکیل پرونده نموده و به مراجع قضایی معرفی می شد. بخش زیادی از فراوانی مربوط به کشفیات قاچاق کالا در مرحله دوم نمودار، مربوط به این واقعیت است. مناطق آزاد و ویژه تجاری و بنادر کشور نیز به دلیل کارکرد بازرگانی، محل هایی بودند که افرادی که اصطلاحاً از آنها بنام «چتر باز» یاد می شدند، از این مناطق مقادیری کالا خارج می کردند که با رفع محدودیت هایی از سوی گمرک، امروز بخش اعظمی از این افراد به نام مسافر مقادیر متنابهی کالا و اجناس را وارد کشور می کنند؛ که قبلاً به نام قاچاقچی با آنها برخورد شدیدی می شد. به گفته مدیر منطقه آزاد قشم در سال گذشته (۱۳۷۸) فقط ۶۰۰ هزار مسافر ایرانی به دومی مسافرت کردند که رقم واردات کالا توسط این مسافران قابل توجه است<sup>(۱۵)</sup> و اگر میزان مسافرت به کشورهای دیگر را نیز به آن اضافه کنیم، این رقم چشمگیرتر می شود. بخش عظیمی از این میزان واردات توسط مسافران، اغلب به صورت قاچاق مطرح می شد و با آنها برخورد می گردید. آمار دیگری حاکی است سالی یک میلیارد دلار کالا از دبی وارد ایران می شود (۳۵ درصد صادرات دبی به ایران است)<sup>(۱۶)</sup> که عمدتاً وسایل و اجناس مصرفی

می‌باشد. از سوی دیگر، این واقعیت رانیز باید پذیرفت که حجم بالای قاجاق اغلب توسط قاچاقچیان عمده صورت می‌پذیرد نه خرده پاهای و مسافران؛ لذا تعداد پرونده‌ها نمی‌تواند میزان و ارزش واقعی قاجاق کشف شده را نشان دهد. آمارها نشان می‌دهد در سال گذشته واردات منطقه آزاد کیش، قشم و چابهار حدود ۳۰۰ میلیون دلار بوده<sup>(۱۷)</sup> که در مقایسه با واردات قاجاق (۲ تا ۴ میلیارد دلار) رقم ناچیزی است؛ لذا کشفیات قاجاق در این مناطق در مقایسه با قاچاقهای عمده از مناطق مرزی قابل توجه نیست.

وجود رانتهای سیاسی و اقتصادی نیز عامل دیگری است که سبب مشخص نشدن میزان واقعی قاجاق در کشور می‌گردد و حجم گسترده‌ای از کالا و اجناس با استفاده از معافیت‌های گمرکی در قالب پوششهایی وارد کشور می‌شوند. این مقوله توسط برخی از افراد، سازمانها و نهادهایی، که در امر تجارت و بازرگانی وارد گردیده‌اند صورت می‌پذیرد و عملاً ورود آنها نیز قاجاق تلقی نمی‌شود. در این دوران طرفندها و شیوه‌های تازه‌ای هم برای واردات و فرار از عوارض و حقوق قانونی اشاعه یافته که عملاً قاجاق را از منظر مأموران و دستگاههای نظارت کننده غیرشفاف نموده‌اند.

اساساً به دلیل تقاضای بازار و دشواری‌های مربوط به مقررات ورود کالا به کشور قاچاقچیان حرفه‌ای نیز دائماً در جست و جوی روشهای جدیدی برای قاچاق کالا به داخل کشور و کسب منافع بیشتر هستند. با توجه به تغییرات پیوسته در تصمیم‌گیری دولت و قوانین و مقررات گمرک، ترکیب کالاهای قاچاق نیز تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته. و قاچاقچیان تلاش خود را به سمت کالاهایی سوق داده‌اند تقاضای زیادی در بازار داخلی برای آنها وجود دارد و از ارزش مادی نسبتاً بالایی برخوردار هستند؛ به عنوان مثال قاجاق ریزپردازنده‌ها و قطعات رایانه، خودرو، داروهای نایاب و تجهیزات پزشکی از این جمله‌اند که بسیار گران قیمت بوده و در مقایسه با کالاهای سنتی قاجاق، ارزش بسیار

## نتیجه

فراوانی کالای قاچاق در بازارهای سطح کشور نشاندهنده این است که میزان قاچاق در کشور افزایش دارد و با بررسی میزان کشفیات نمی توان این پدیده را تحلیل نمود. از سوی دیگر، چنانچه در نگاه اول میزان کشفیات دلیل موفقیت تلقی گردد در نهایت امر اگر خوب کالبد شکافی شود، با توجه به سیستم حاکم بر نحوه توزیع کالاهای کشف شده، عکس این برداشت و با جایگزین شدن کشفیات و توزیع آن در جامعه به باز تولید قاچاق و تزیاید کالاهای مصرفی و غیرلزوم در جامعه کمک خواهد کرد.

همچنین واقعیت این است که در سالهای اخیر در جغرافیای قاچاق کالا تغییر حاصل شده و مسیرهای کم خطرتر و امکانات کم هزینه تر موجب شده پدیده قاچاق در دیگر نقاط کشور فراگیر و به صورت پراکنده وارد کشور شود. قاچاق کالا پدیده‌ای است که با مقوله‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ارتباط می باشد و نمی توان آن را به صورت انتزاعی مطرح و با آن مبارزه کرد. سیاستهای پولی و مالی، امنیت، رکود اقتصادی، سطح اشتغال و بیکاری، تولید، قوانین و مقررات از عواملی است که بر میزان و ارزش قاچاق کالا در یک کشور نقش دارد. و برای مبارزه با این پدیده نیز بایستی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بکار گرفته شوند. شکوفایی تولید و صنعت، و افزایش کیفیت محصولات، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش سرمایه‌گذاری، اصلاح ساز و کارهای اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری از مقوله‌هایی به شمار می‌روند که می‌توانند در کاهش یا رفع قاچاق کالا به کشور مؤثر واقع شوند.

بررسی سه مقطع زمانی در رابطه با قاچاق در کشور نشان می‌دهد که فراوانی این پدیده معطوف به شرایط، مقتضیات و ساختارهای اقتصادی،



سیاسی و اجتماعی می‌باشد و هرگونه برنامه‌ریزی برای قاجاق باید با در نظر گرفتن این عوامل صورت پذیرد. در مرحله سوم، که آمارکشیات کاهش دارد، این مقوله باید بیشتر مد نظر قرار گیرد. اساساً با فنی شدن و پیچیدگی پدیده قاجاق و استفاده از قوانین و فرصتهای پیش آمده توسط صاحبان سرمایه، میدان عمل نیروی انتظامی و سایر سازمانهای مبارزه کننده، محدود گشته است؛ بطوری که با جایگزین شدن قاجاق پنهان به جای قاجاق آشکار در این فرایند، میزان موفقیت‌های انتظامی کاهش یافته و باگسترش آن، قدرت ابتکار و عمل، روز به روز نیروهای عمل کننده ساقط خواهد شد. وضع موجود بازار و تنوع کالاهای خارجی و نیز افزایش آمار پرونده‌های کلان کشف شده مبین این امر است. ►



#### پی‌نویس:

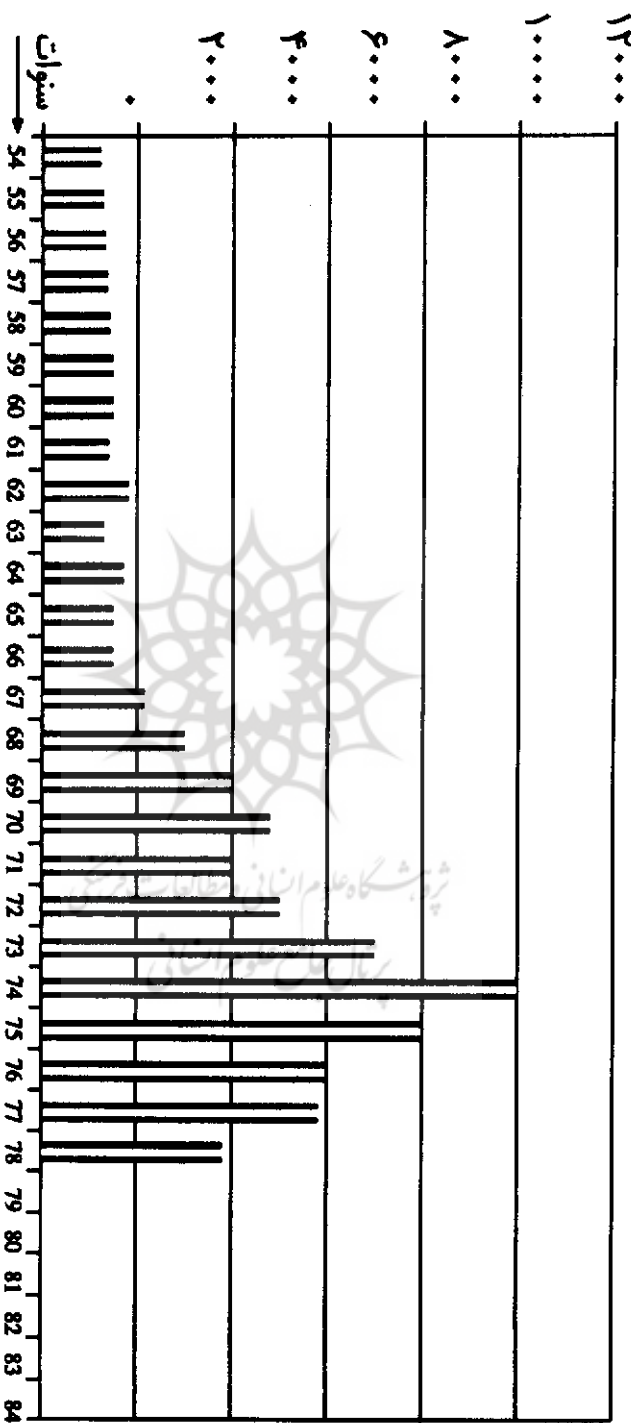
- ۱- روزنامه همشهری، سه شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۷۹
  - ۲- رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، ۱۳۷۷، صفحه ۲۰۲
  - ۳- امین صارمی، نوذر، بررسی محصولات و فرآورده‌های فرهنگی مبتذل، ۱۳۷۰، ص ۷۰.
  - ۴- فتحی، محمد جواد، مجموعه قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی، ۱۳۷۶، ص ۴۸۳.
  - ۵- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۴، ص ۱
  - ۶- سهرابی، ۱۳۵۷، ص ۳۸۳
  - ۷- ناحیه انتظامی هرمزگان، تحلیلی بر قاجاق کالا، صفحه ۵
  - ۸- منبع شماره دو
- جوامع سنتی و تغییرات فنی ص ۸۰، جرج، م فاستر ترجمه مهدی ثریا

- ۹- م فاسرت، جرج، ترجمه مهدی ثریا، جوامع سنتی و تغییرات فنی، صفحه ۸۰.
- ۱۰- فروند، ژولین، ترجمه نیک‌گهر، جامعه‌شناسی ماکس وبر، صفحه ۱۹۲
- ۱۱- Durkheim, Emil, 1951; suicide: A study in sociology, new yorl: 243
- ۱۲- دیوب. س. کی، بحران تکنولوژی و محیط زیست، ۱۳۶۴، ص ۳۳
- ۱۳- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۷۱، صفحه ۴۴۱
- ۱۴- وزارت بازرگانی، سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۶۵، ص ۶،
- ۱۵- روزنامه ایران، شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۹، مصاحبه با مهندس بوشهری
- ۱۶- همان
- ۱۷- همان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تعداد پرونده‌ها (کشفیات)



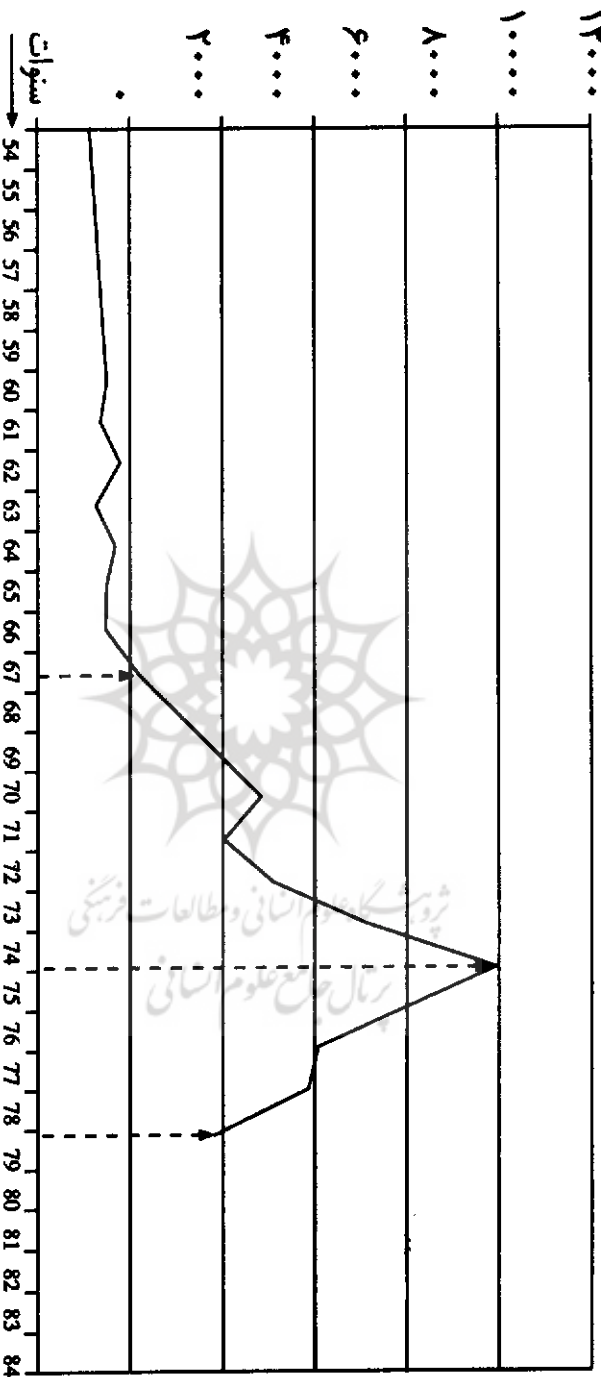
دوره اول (۷۴-۷۷)

دوره دوم (۷۷-۸۳)  
نمودار ۲

دوره سوم (۸۳-۸۴)

نمودار کشفیات ویژه استان هرمزگان

تعداد پرونده‌ها (کشفیات)



دوره اول (۶۷-۵۴)

دوره دوم (۷۴-۶۷)  
نمودار ۲

دوره سوم (۸۴-۷۴)

نمودار کشفیات ویژه استان هرمزگان